

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

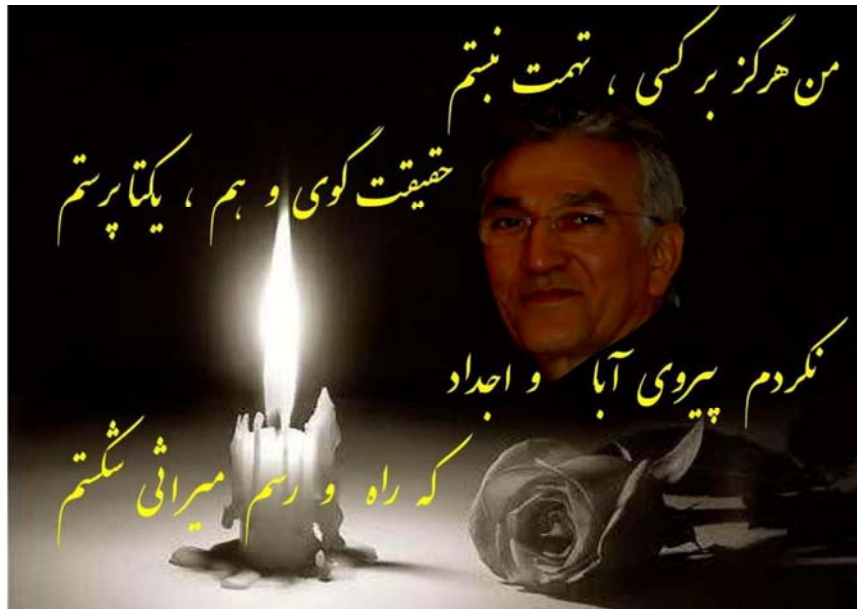
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۹ جون ۲۰۲۱



## تکبیر و تحیات

مارا قلم ساده و آزاده و پُر بار  
چندیست که از خدمت یاران و عزیزان...  
حالاً که کمی فرصتی پیدا شده، ذیلاً  
عرض ادب و حرمت و تکبیر و تحیات  
بر شاعر و بر ناثر و بر طنز نویسندگان  
یاران و عزیزان و همه خامه به دستان  
بر (احمدی) و (ظاهر) و (معروف) و به (لعلی)  
دایم رقمش برحق و بی پرده و استار  
معذورم و گردیده به خود سخت گرفتار  
حرف دل غمدیده به یاران کنم اظهار  
تقدیم حضور همگی، من من و خروار  
بر عاشق و معشوق جفا کار و ستمگار  
آنکس که پسندیده و بر بنده نوشتار  
بر (اکرمی) و (سیفی) و بر (شاهد) و (احرار)

(شایسته) و (سینا) و (شکیب) و به (برکت) (شیرین) و به (نوری) و به (صدیق وفادار)

بر (فاطمه) و (عاطفه) و هم به (ظریفه) بر (راعی) و بر (افضلی) شوخ من آزار

بر (قاسمی) و (باهره) و (احسان) و به (ناهید) (سوما) و (ولی جان) و به (محمود سخنیار)

بر (فائزه) و (سوسن) و (سلطانی) و (سر مست) (موسی) و به (فیضی) و به (نوشین)، که ز ابرار

(شیرین احدزاده) و (نوری) و به (کاوه) بر (فضل الحق) و (یوسف) و (آزاد) و به (سردار)

بر (تیمور) و بر (صادقی) و بر (تمره بیگ) (خان آقا) و (صدیق عمر) و محترم (یار)

(کامران) و به (خیر زاده) و (داریوش) و به (مسعود) بر محترم استاد، (نیک آئین) بزرگوار

(فاروق) و (وحید) و به (کریم) و به (کنشکا) بر (جان) و (ندا احمد) و بر (حشمت) همکار

(پروانی) و (فیروز) و (رحیمی) و به (واحد) (شاهپور) که نقد قلمش مرچ و نمکدار

(سیمین) و (شمیم) و به (علومی) و (صدیقه) (مستوره دهقان) که همی خامه به پرکار

(مومند) و (نوید) و (علم) و هم به (ملالی) بر (شاه جهان)، شاعر آزاده و پرکار

بر (ایمن) و بر (کاظمی) و هم به (ملیحه) (سیما) و به (آمیس) که از ماشده بیزار

بر حضرت (حداد) که گردیده چو شاداد بر مانه، به ایشچی و به پدرام خطاکار

او را هنری نیست بجز آشک و منتو خود پخته و خود میخوردش مثل شکمدار

یخچال و فریزر که شده مخزن منتو تُشپیره و سمبوسه او نیست به بازار

گوید که مرا، قدرت کار دگری نیست جز خوردن و خوابیدن و بسرودن اشعار

حتی نتوانم که کنم جمع، احافم هر روز مرا طعنه دهد خانم بیچار

چون قصه حداد به آخر شدنی نیست روز دگری شرح دهم، کم کم و بسیار

"نعمت" که ز اخلاص رقم زد به عزیزان باشند صحتمند و خداوند نگهدار

## تکبیر و تحیات (۱)

مار و قلم ساده و، آزلوده و، پُر بار  
دلیم ز قمش برحق و، بی پرده و استمد  
چندیت که از خدمت یارون و عزیزان  
معدورم و، گردیده به خود سخت گرفتار  
حالا که کمی فرصتی پیدا شده، ذیلاً  
حرف دل غمخیزه به یارون کنم و نظام  
عرض ادب و حرمت و تکبیر و تحیات  
تقدیم حضور همگی، من من و خسروار  
بر شاعر و بر ناثر و بر طنزنویسان  
بر عاشق و معشوق جنابکار و تمسکار  
یاران و عزیزان و همه خامه بدستان  
آنگس که پسندیده و بر بنده نوشتار  
بر (احمد سر) و (ظاهر) و (معروف) و به (علی)  
بر (اکرمی) و (سینی) و، بر (شاهد) و (احرار)  
(شایسته) و (سینا) و (شکیب) و به (برکت)  
(شیرین) و به (نور سر) و به (صدیق وفادار)

( ۲ )  
 بر (فاطمه) و (عاطفه) و، هم به (طریفه)  
 بر (رابعی) و بر (رفضلی) شوخ- من آرزو  
 بر (قاسمی) و (باهره)، (احسان) و به (ناحید)  
 (سوما) و (ولی جان) و به (مخسود) سخنیار  
 بر (فائزه) و (سوسن) و (سلطانی) و (سرمت)  
 (موسی) و به (فیضی) و به (نوشین)، که ز لپرو  
 (شیرین احمدزاده) و (نورس) و به (کاوه)  
 بر (فضل الحق) و (یوسف) و (آرزو) و به (سردار)  
 بر (تیمور) و بر (صادقی) و بر (تمره یگ)  
 (خان آقا) و (صدیق عمر) و محترم (یار)  
 (کاملان) و به (خیرزاده) و (دلریوش) و به (مسعود)  
 بر محترم استاد، (نیک آیین) بزرگوار  
 (فادوق) و (وحید) و به (کریم) و به (کنشکا)  
 بر (جان) و (ندلا احمد) و بر (خمت) همکار  
 (پروانی) و (فیروز) و (رحیمی) و به (ولحد)  
 (شاهپور)، که نقد قلمش، مرچ و نمکدار  
 (سیمین) و (شمیم) و به (علمی) و (صدیقه)  
 (مسوروه و ممتان) که همی خامه به پرکار

( ۳ ) ( مومند ) و ( نوید ) و ( علم ) و هم به ( ملالی )  
 بر ( شاه جهان ) ، شاعر آزاده و پرکار  
 بر ( لایمن ) و بر ( کاظمی ) و هم به ( ملیحه )  
 ( سیا ) و به ( اسمیس ) که از ماشده بیسنور  
 بر حضرت ( حداد ) که گردیده چو شداد  
 بر ( ما ) نه ، به ( لوشچی ) و به ( پدرلوم ) خطاکار  
 او را هنر نیست بجز لاشک و منتو  
 خود پنخته و خود میخوردش مثل شکر  
 یخچال و سریزد ، که شده مخزن پیشتو  
 تپسیره و مسموسه او نیست به بازو  
 گوید که مراد قدرت کار دگر نیست  
 جز خوردن و خوریدن و بسزودن اشعار  
 حتی تو لوم که کنم جمع ، محاسنم  
 هر روز دهد طعنه مرا خانم بیچار  
 چون قصه حداد به آخر شدنی نیست  
 روز دگری شرح دهم ، کم کم و بسید  
 « نعمت » که ز خلص رستم زد به عزیزان  
 باشند صحتمند و خدایند گمگم